

عنوان مقاله:

تحلیل و نقد ویژگیهای پسامدرنی رمان هیس

محل انتشار:

دو فصلنامه ادب فارسی، دوره 10، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

تیمور مالمیر - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

نجم الدین رستم یونس - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

خلاصه مقاله:

محمدرضا کاتب در نوشتن، سبکی متفاوت با دیگر رماننویسان ایران دارد، نوشتههای او در فضایی مبهم و پیچیده قرار گرفته است. به نظر میرسد این مسئله در رمان هیس مشهودتر از دیگر آثار او باشد. این خصوصیت یکی از ویژگیهای بارز مکتب پسامدرنیسم است. در این مقاله، برای نقد و تحلیل شگردها و جنبه‌های تازه نویسندگی محمدرضا کاتب، براساس نظریه پسامدرنها به بیان شگردها و ویژگیهایی پرداخته‌ایم که موجب برجسته شدن محتوای وجودشناسانه و شگردهای فراداستانی در رمان هیس شده است. استفاده نویسنده از امکانات پسامدرنی داستان، مبتنی بر سهیم‌ساختن خواننده در فهم و برساختن داستان، بازنگری در استنباطها و قضاوت‌های پلیس درباره جرمها، نقض روایت‌های پذیرفته شده به منظور تامل خواننده و بیاعتبار ساختن راوی، و مرگ نویسنده است؛ یعنی نویسنده اهمیتی ندارد، بلکه به جای آن، خواننده مهم است که متن را با خوانش خود تفسیر و تحلیل میکند و در این داستان، این اهمیت خواننده، مقدم بر اهمیت «متن» است. رمان هیس مبتنی بر گفتوگوست؛ یا به صورت بیان کنشها یا جابهجاییهای کنشها که به صورت مرگ یکی و روایت دیگری بیان میشود، یا اینکه به صورت کدگذاری کنشها، اندیشه‌ها و نقلقول‌های نقیض شکل میگیرد. تاکید راوی بر نقض روایت و راوی، برای آن است که بگوید سخن اصلی چیست؛ اما این سخن اصلی نیز دائم نقض میشود. اگر راوی را چندگانه مینماید و بیاعتمادی به روایت را پیش می‌آورد یا از شیوه روایت داستانهای درون‌های کهن استفاده میکند، برای آن است که بتواند شیوه روایت و برهمکنش سطوح مختلف روایی را ترسیم کند.

کلمات کلیدی:

هیس، محمدرضا کاتب، پسامدرن، وجودشناسانه، شگردهای فراداستانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1199987>

